



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



عزت و اقتدار در حماسه کربلا

حسینعلی عرب انصاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزت و اقتدار در حماسه کربلا

نویسنده:

حسینعلی عرب انصاری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	عزت و اقتدار در حماسه کربلا
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۱۰	عوامل عزت و افتخار در نهضت حسینی
۱۰	اشاره
۱۱	ایمان به خدا
۱۳	ارتباط با رسول و مومنان
۱۶	استقامت در جدال با باطل
۲۰	نتیجه
۲۱	درباره مرکز

عنوان: عزت و اقتدار در حماسه کربلا

پدیدآورندگان: حسینعلی عرب انصاری (پدیدآور)

ناشر: حسینعلی عرب انصاری

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: ایمان و آزادی

اقتدار و ظلم ستیزی

عزت نفس

امام حسین (ع)

مقدمه

چیستی عزت: راغب در مفردات در ماده عَزَّ می گوید: «العزه حاله مانعه للانسان من ان یغلب عزت حالتی است که نمی گذارد انسان مغلوب شود و شکست بخورد». به زمین سخت که نفوذ ناپذیر است «ارض عزاز» می گویند. و عزیز کسی است که در اثر نیرومندی امرش غالب است. براساس لغت نامه ها ریشه عزت از: عَزَّ، یَعُزُّ، عَزَّأً، عَزَّهٗ، عَزَّاهٗ یعنی نیرومند و قوی شد. در فرهنگ فارسی، به معنای، ارجمند شدن، سرافرازی، بزرگواری آمده است. چون انسان ارجمند کسی است که در برابر ناملایمات صبور و نفوذناپذیر است و قول معروف، زود از کوره در نمی رود. عزت نفس در حوزه های گسترده تر چون جامعه به معنای اقتدار و عظمت است و در حوزه شخصی به مفهوم ارجمندی و سربلندی است که در قرآن نیز به این معانی اشاره شده است. واژه مقابل عَزَّتْ، ذلت است و شتر رام را «ذلول» می گویند: (وذللناها لهم فمنها رکوبهم و منها یاکلون)؛ (چهارپایان) را رام ایشان ساختیم و هم مرکب آنان، و هم از آن تعدیه می کنند. انسان ذلیل آن است که زود تحت کنترل واقع می شود و از خود اراده ای ندارد و هم چنین است جامعه ذلیل، سرنوشت آن را دیگران رقم می زنند. اما حقیقت عزت در درجه نخست، قدرتی است که در دل و جان انسان ظاهر می شود و او را از خضوع و تسلیم و سازش در برابر طاغوت و یاغیان

باز می دارد، این قدرت جز از ایمان به خدا؛ یعنی

ارتباط با منبع اصلی قدرت و عزت سرچشمه نمی گیرد، چرا که سرچشمه عزت ها خداست: (ان العزه لله جميعاً). انسانهای مؤمن با اطاعت و فرمانبرداری از دستورات پروردگاری می توانند بهره ای از عزت ببرند. رسول الله (ص) در این باره می فرماید: «اعز امر الله يعزك الله؛ فرامین پروردگار را بزرگ دار، تا همو تو را عزت بخشد». چو ما را به دنیا تو کردی عزیز به عقبی همین چشم داریم نیز عزیزی و خواری تو بخشی و بس عزیز تو خواری نبیند ز کس دانشمند گرامی، آیه الله جوادی آملی می فرماید: خاصیت عزت آن است که موجود عزیز نه تنها در برابر متجاوز تسلیم نمی شود. بلکه مهاجم را سرکوب می کند. خاصیت عزیز آن است که نه تنها می تواند خود را نگه دارد و از حق خویش دفاع کند، بلکه آنهایی را که برای دفع حق شورش می کنند نیز سرکوب و سرنگون کند. در روان شناسی، عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن، این حس از مجموع افکار، احساس ها، عواطف و تجربه ها در طول زندگی ناشی می شود و عزت نفس بر همه سطوح زندگی اثر می گذارد. بررسی های روان شناسی حاکی از این است که افرادی که احساس خوبی به خود دارند، معمولاً احساس خوبی نیز به زندگی دارند و می توانند با اطمینان از عهده مشکلات و مسئولیت های زندگی در آینده فردی که عزت نفس دارد، مستقل عمل می کند، مسئولیت پذیر است و به پیشرفت ها افتخار می کند و ناکامی ها را به خوبی تحمل، و می تواند دیگران را تحت کنترل قرار دهد. پژوهش ها نشان داده است که بین عزت نفس پایین و اضطراب برقراری ارتباط با دیگران هم بستگی وجود دارد، کسانی که در عزت نفس ضعیفی دارند، اغلب در موقعیت های بدی قرار دارند چون خودشان را

قبول ندارند و قبول تعریف های دیگران از خود برایشان دشوار است و به انتقادهای دیگران بسیار حساس می باشند. ریشه همه تبهکاری ها در ذلت نفس است. از این رو بهترین راه اصلاح فرد و جامعه عزت بخشی و عزت آفرینی است. امام علی می فرماید: «من کرمت علیه نفس هانت علیه شهواته»؛ آن که در خود احساس کرامت کند، مخالفت با شهوت برایش آسان است. اما در حدیث دیگری هست که: «من هانت علیه نفسهُ فلا تأمن شره»؛ کسی که احساس بزرگواری در خود را از دست بدهد، از شر او بترس و ایمن مباش. نکته ای که در ادامه، باید متذکر شد این که، عزت در همه ممالک و اقوام و در همه فرهنگ ها ارزش، و ذلت ضد ارزش به حساب می آید منتها مفهوم و مصداق آن در فرهنگ های مختلف متفاوت است. برخی عوامل مادی جاهلی را مؤثر دانسته. ذلت را درنداشتن، نخوردن، و لذت نبردن می پندارند و عزت را در کاخ های مجلل و زندگی مرفه جویا می شوند. افرادی چون کلیون یونان قدیم معتقد بودند: انسان هر چه بیشتر احتیاج پیدا کند و نفس خود را ذلیل کند اخلاقی تر، عزیزتر خواهد بود. افرادی از متصوفه، بر این باورند که هر چه در توان داریم باید خود را ذلیل کنیم و کسی برای ما ارزش قایل نشود، لذا کار نمی کردند تا ذلیل شوند. بعد از مقدمه کوتاه به این جا می رسیم که با شروع سال جدید، عزت و افتخارحسینی به مثابه یک شعار محوری از طرف رهبر انقلاب مطرح شد که یقیناً این نام گذاری ها مناسبی با ابتدا یا انتهای آن سال ندارد، بلکه هدفی مهم تر را دنبال می کند که می توان جهت دهی و ارائه خط مشی واحد به مدیران و کارگزاران فرهنگی و تذکر

به متفکران و محققان در استفاده از متون غنی اسلامی و احیای سیره و سنت ائمه اطهار و به کارگیری آنها در زندگی و هدف مهم تر، رسیدن و همانندی مردم و جامعه با چنین ویژگی هایی دانست. سرافرازی که حسین پرچمدار آن است و با حماسه آفرینی و جان افشانی خود آن را به ارمغان آورد و چراغی فراروی خواستاران سربلندی و ارجمندی گردید. رسیدن به آن قله، مرهون شناخت دقیق از مفهوم عزت و آشنایی با شاخصه های عزت مندی است و فرهنگ عاشورا از ذلت و عزت چهره دیگری نشان می دهد؛ یعنی عزت، بر سر هدف ماندن و مردانه ایستادن و در راه آن جان دادن است، (ارزش) و ذلت، دست کشیدن از هدف و عقب نشینی به خاطر ترس از مرگ است (ضد ارزش). در رویارویی با دشمن امر دایر شد بین این که؛ یا کشته شود و یا از اهداف خود دست بکشد و زنده ماند. شق دوم از دیدگاه امام(ع) مصداق ذلت است و در فرهنگ الهی و نبوی و خانوادگی آن حضرت ضدارزش است. بر این نکته باید تکیه کرد که عزت حقیقی مختص خداست او دوستان خود را می بخشد. امام حسین در دعای عرفه می فرماید: «یا من خصّ نفسه بالسَّيْمِ و الرفعه فاولیائه بعزّه یعتزون؛ ای آن که ذات خود را به علو مقام و رفعت مخصوص گردانیدی و دوستانت را به عزت خود عزیز ساختی». حسین مظهر عزت الهی و نهضت او قیامی برای حفظ عزت آدمی و گشودن راه تربیت حقیقی بود، تا پس از او همگان به راه و رهش تربیت شوند و به عزت واقعی برسند.

عوامل عزت و افتخار در نهضت حسینی

اشاره

امروز جایی که بشر در دنیا ضربه می خورد، یا

از جهل است یا زبونی؛ یعنی یا نمی داند و یا معرفت دارد، اما خود را ارزان می فروشد، حاضر به پستی و دنائت می گردد. امام علی (ع) می فرماید: «بهای شما جز بهشت نیست، آن را به غیر از بهشت مفروشید.» اگر همه دنیا را به قیمت قبول ذلت و زبونی روح به شما دهند جایز نیست، همه کسانی که در اطراف دنیا تسلیم زر و زور و صاحبان آن شده اند، این زبونی را قبول کرده اند، چون ارزش خود را نشناخته اند. خیلی از سیاست مداران دنیا خودشان را فروخته اند، عزت فقط آن نیست که انسان روی ریاست بنشیند، گاهی یک نفر روی تخت سلطنت به هزاران نفر فخر می کند، اما در عین حال زبون و اسیر یک قدرت است، تمایلات خود است. وقتی به امام حسین (ع) نامه ابن زیاد را دادند تا بیعت کند؛ آن را پرت کرد به پیک فرمود: «لقد حَقَّتْ علیه کلمه العذاب» کسی که به عزت خدا عزیز شد برای مخلوق ذلیل نمی گردد. امام حسین (ع) در شرایط زمانی خاص خود، اصل دین را در خطر نابودی دید، چه باید می کرد؟ این جاست که در منطق حسینی نفس کشیدن و زنده بودن عین ذلت است و حسین (ع) کسی نیست که مرگ با عزت را بر زندگی ذلیلانه ترجیح دهد، لذا در ابتدای راه فرمود: «مرگ در راه عزت و شرف زندگی جاویدان است. ما در این فصل به عواملی که در عزت حسینی نقش اساسی داشته است، اشاره می کنیم:

ایمان به خدا

روان شناس فرانسوی «او کاربش» می گوید: ظواهر ایدئولوژیک و اخلاقی که تمدن اروپایی را زینت می دادند، از آن جا که مبنای آنها منحصرأ مادی بود، بر اثر

جنگ جهانی منهدم شد و اضطراب با وسعت بیشتری در جنگ سراسر دنیا را فرا گرفت، احترام به زندگی و مقام انسانیت و تصور ارزش های اخلاقی در همه جا ناپدید شدند. با ذکر این مطلب، یادآوری می کنیم که ایمان درختی است که چون ریشه در زمین روح انسان ایجاد کند، شاخه های فراوان فضایل اخلاقی را به وجود می آورد و اعمال صالحه میوه می دهد و رسول خدا فرموده اند: ایمان بدون عمل تحقق نمی یابد و عمل جزء آن است و ایمان جز به عمل تثبیت نمی شود. ایمان عامل سربلندی تکامل انسان، همان اعتقاد قلبی به خدا و فرامین او، همراه تسلیم به آن است که ارمغان این پیروی عزت مندی است. امام علی (ع) می فرماید: «اذا طلبت العز فاطلبه بالطاعة؛ اگر خواهان عزت هستی، آن را با اطاعت خدا بخواه». بندگی چون بذری است که در زمین اعتقادهای حق کاشته شده، با عمل صالح آبیاری می گردد و میوه های زیادی نتیجه آن است که شیرین آنها عزت است (من كان يريد العزه فله العزه جميعاً)؛ هر کس خواهان عزت است، عزت یکسره از آن خداست. آیه در صدد این مطلب نیست که عزت نفس مختص خداست و کسی نمی تواند به آن دسترسی پیدا کند، بلکه چنانچه علامه طباطبائی نیز اشاره دارد این است که هر کس عزت می خواهد، از خدا بخواهد، زیرا که: در حقیقت مالک اصلی خداست این امانت بهر روزی دست ماست امام حسین (ع) روز عاشورا پس از موعظه دشمن فرمودند: آگاه باشید این شخص بی اصل و نسب (ابن زیاد) میان دو چیز پافشاری می کند: یا شمشیر یا خواری؛ هیهات! که ما به ذلت تن دهیم. بعد در ادامه فرمود: (یأبی الله ذلک لنا؛ خداوند تن

دادن به ذلت را بر ما نمی پذیرد». امام صادق (ع) در سخنی فرمودند: خداوند همه چیز مؤمن را به او واگذار کرده، اما به او اجازه نداده خود را ذلیل کند: «فالمؤمن ینبغی أن یکون عزیزاً یعزّه الله بالایمان؛ سزاوار است مؤمن عزیز باشد، خدا عزت را به وسیله ایمان نصیب او می کند». مؤمن به واسطه اعتقاد راسخی که به خدا دارد، خواری را نمی پسندد. حضرت اباعبدالله الحسین (ع) نیز وقتی آن همه عده دشمن را دید، در اراده اش خللی ایجاد نشد. بلکه هر دو دست به سوی خدا بلند کرده و فرمود: «خدایادر هر بلیه تو تکیه گاهم می باشی و در هر ورنج و سختی امیدم به توست». ایمان به خدا، سبب می شود در دل و جان انسان محبت ایجاد شود و به دیگران گرایش عمیق داشته، عالم را سراسر محبت ببیند؛ محبتی که همه انسان ها را نور و کمال برساند: (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن و ذلاً)؛ آنهایی که ایمان و عمل صالح دارند، خدای رحمان آنان را محبوب می گرداند. وقتی شخص محبوب دل ها شد، عزیز همه می شود: هر جا که بود غذای روحی از سفره نعمت حسین است دل های همه خداپرستان کانون محبت حسین است

ارتباط با رسول و مومنان

(ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین)؛ عزت برای خدا و برای پیغمبر و برای مؤمنین است. انسان هایی که روحی بزرگ دارند، هیچ گاه آسایش و رفاه ذلیلانه را بر سختی ورنج با عزت نمی پذیرند. ارتباط با چنین انسان هایی که سرچشمه تمام کمالات الهی هستند، نیز عزت بخش است. رسول خدا (ص) که بنا به فرموده خداوند نمونه کامل اخلاق نیکوست، نه از خود ذلت نشان می داد و نه به کسی اجازه چنین کاری را می داد، لذا

فرمود: مؤمن نباید نفس خود را ذلیل شمارد». ارتباط با رسول خدا نیز به انسان چنان سعادت و عزتی عطا می کند که حاضر نیست با چیزی عوض کند. امام حسین (ع) در حلقه محاصره دشمن با صدای بلند به همه اعلام کرد: «یأبی الله ذلک لنا و رسولہ؛ خدا و رسولش...تن به ذلت دادن ما را نمی پسندد». هنگام حرکت به مکه وقتی حاکم مدینه از ایشان تقاضای بیعت با یزید را کرد، حضرت فرمود: «انا اهل بیت نبوّه و یزید رجل فاسق...و مثلی لایابح لمثله؛ ما خاندان پیامبر و گنجینه رسالتیم و یزید مردی است فاسق که آشکارا گناه می کند، مثل من با مثل یزید بیعت نمی کند». آیا می شود حسینی که خون پیامبر (ص) در رگش جاری است، تن به ذلت دهد؟ پیامبر و خاندان پاک او از هم جدا نیستند. علامه مجلسی ضمن نقل آیه گذشته جملاتی در تفسیر آن ذکر می نماید؛ بعد چنین می نویسد: «و المؤمنون علی و عترته فالعتره النبی لایفترقان فی العزه الی آخر الدهر؛ مؤمنون، امام علی (ع) و خاندان اوست، عترت برای نبی هستند و خاندان رسول و پیامبر (ص) از هم جدا نمی شوند در شرافت و عزت تا پایان روزگار». امام حسین (ع) وقتی از هر طرف مورد حمله دشمن قرار می گرفت، تنها افتخاری که به او قوّت می داد تمام بردن نسب و معرفی خویش بود: «مگر من پسر دختر پیامبر شما نیستم، مگر من پسر وصی پیامبر نیستم. (یعنی خون علی و رسول در رگ من جاری است)». او از کودکی در خانواده وحی چشم گشود و از آموزش های پیامبر (ص) بهره مند گردید و در دامن پر مهر فاطمه و علی (ع) درس شرافت فرا گرفت. آیا با چنین

مربیانی، باز هم می توان از شرافت دور گردید. نهالی که با روزی حلال بارور می شود به مراقبت باغبانان مهربان نیاز دارد، تا شرایط را برای تکامل و رشد آن آماده سازد. این وظیفه سنگین برعهده پدر و مادر و سایر مربیان است که با تدبیری توأم با عطوفت و مهرفرزندان خود را در مسیر پیمودن راه خدا و رسول، یاری برسانند. اگر امام حسین (ع) روز عاشورا بر قلّه عزت صعود می کند و فریاد «هیّات منالذّله» سر می دهد، به دلیل داشتن مربیانی آگاه است. علی (ع) می فرماید: «هر عزیزی که تحت سلطه قدرت مندی باشد ذلیل است». اگر هیّات منالذّله سر می داد، به یاد می آورد سخن پدرشان را که می فرمود: «المّتیّه و لالدّنیّه؛ مرگ آری، اما تن به پستی هرگز» وی در صفین در رکاب پدر با دشمنان جهاد می کند، وقتی لشکر دشمن آب رابست و آماده جنگ گردید، امام علی (ع) به آنها گفت: «فالموت فی حیاتکم مقهورین و الحیاه فی موتکم قاهرین...»؛ لشکر معاویه کار زار با شما طلبند، پس شما یا بر ذلت و خواری اقرار کرده شجاعت و شرافت را از دست بدهید؛ یا آن که شمشیرهای خود را از ایشان سیراب کنید. پس مرگ (حقیقی) در زندگی شماست اگر مغلوب شوید و زندگی در مرگ شماست آن گاه که غالب آیید». ابن ابی الحدید پس از نقل این سخنان، شعری از ابونصر بن نباته نقل می کند که می گوید: «و الحسین الذی رأى الموت فی العز حیاة و العیش فی الذلّ قتلاً حسین همان کسی است که مرگ در راه عزت را زندگی می دید و زندگی در خواری و زبونی را مرگ و کشته شدن می پنداشت» این نویسنده پس از نقل نمونه هایی ذلت ناپذیری

افراد، می نویسد: «سرور این افراد که با مردم حمیت و مرگ در زیر سایه شمشیر را آموخت و آن را بر پستی و زبونی برگزید، حسین (ع) فرزند علی بن ابی طالب است.» به این نتیجه می رسیم که خروش توأم با عزت امام حسین (ع) از ایمان او به خدا، ارتباط با رسول خدا (ص) و بهره بردن از مریانی چون رسول خدا (ص) و امام علی (ع) باشد.

استقامت در جدال با باطل

عزت بخشی و عزت آفرینی، از مهم ترین اهداف تربیتی پیامبران و اوصیای ایشان است و هیچ نهضتی چون نهضت حسین (ع) قلبها را منقلب نکرد و عواطف را همسوی خود نساخت و روح عزت را در بشر ندیده است. اگر آدمیان به عزت حقیقی دست یابند و از ذلت و فرومایگی آزاد شوند به تربیتی می رسند که منظور پیامبران بود؛ تربیتی که آدمی را سربلند و شکست ناپذیر در برابر غیر خدا و ناتوان و خوار در برابر خدای سازد، آن کسی که فقط در برابر خدا سربندگی فرود می آورد و با قدم عبودیت حرکت می کند به عزت دست می یابد. دشمن ستیزی و ناسازگاری با باطل، روشی برای سرافرازی و عزت مندی خدا در وصف بندگان شایسته خود است: (اذله علی المؤمنین اعزّه علی الکافرین) ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از آیین خود باز گردد خدا جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. زشتی مماشات و سازش با دشمن ستمگر که زبونی در پی دارد، به حدی است که امام علی (ع) فرموده اند: «ساعتی زبونی، به سربلندی دنیا نمی ارزد» در سخن و سیره امامان معصوم، افشای چهره

دشمن و دشمن ستیز بودن، اصلی عزت بخش یاد شده است و امام حسین (ع) نیز بر محور این اصل، نهضت حماسی خود را پی ریزی کرده اند: «موت فی عز خیر من الحیاه فی ذل؛ مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است». تحمل و صبر در برابر ناملایمات، گرفتاریها، عزت بخش است. در تاریخ زندگی رسولان، نمونه هایی فراوانی می توان یافت که مردم هم پای پیامبران با صبر و پایداری به سربلندی رسیده اند. خداوند، خاتم رسولان را به پایداری در برابر شماتت و بی مهری دشمنان قرار می دهد و به او وعده عزت می دهد: (لایحزنک قولهم ان العزه لله جمیعاً)؛ سخن آنها تو را غمگین نسازد، تمام عزت از آن خداست. رمز موفقیت هر فرد در گرو در چیز است: ایمان به هدف، استقامت و کوشش در طریق نیل به آن هدف. ایمان همان متحرک باطنی است که خواه انسان را به سوی مقصد می کشاند و مشکلات را در نظر او آسان می سازد. هرگاه انسان ایمان داشت، سعادت او در گروه هدف مشخص است و نیروی ایمان او را به سوی هدف می برد بیماری که بهبودی خود را در خوردن خاک و داروی تلخ می داند، آن را به کسانی می خورد. غواصی که یقین دارد که زیر امواج دریا جواهر قیمتی است، خود را به موج و طوفان می زند. قرآن رمز کام یابی را ایمان به هدف و استقامت بیان کرده است: (ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه...؛ آنها که گفتند محققاً پروردگار ما خداست و به ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آنها نازل می شوند که دیگر هیچ ترس و اندوهی ندارید. رمز پیروزی مسلمانان صدر اسلام همین ایمان به خدا

و پایداری در راه هدف مقدس بود آنها که این دو را داشتند پیروزی‌ها نصیبشان می‌گردید. پافشاری و استقامت میخ سزد از عبرت بشر گردد به سرش هر چه بیشتر کوبند پافشاریش بیشتر گردد یکی از عوامل عزت و اقتدر در نهضت حسینی، همان پایداری او و یاران در راه مبارزه با ستم است. امام در جامعه‌ای می‌زیست که در آن به حق عمل نمی‌شد و از باطل نهی نمی‌گردید؛ بزرگ‌ترین آسیبی که جامعه را تهدید می‌کرد؛ سکوت مردم در برابر کارزشت و فساد ستمگران و دوری از امر به معروف و نهی از منکر، بود و چنین باوری را خطرناک می‌دانست و بر این عقیده بود که حاکمان اموی دستشان در همه جا برای ستمگری باز شده و مردم بنده وار در اختیار آنانند. لذا وقتی به او پیشنهاد بیعت با یزید شد، آیه استرجاع را خواند: (انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السیلام) و به تعبیر امام راحل (ره): «مکتبی که می‌رفت با کج روی‌های تفاله جاهلیت و با شعار «لاخبر جاء و لا وحی نزل» محو شود، ناگهان شخصیت عظیمی قیام کرد و با فداکاری بی‌نظیر و نهضت‌های الهی خود واقعه بزرگی را به وجود آورد» امام حسین (ع) می‌دانست که مخالفت با یزید؛ یعنی رویارویی با همه مشکلات. ولی چون این کار برای حفظ دین بود، همه سختی‌ها را به جان خرید. زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت کانکه شد کشته او نیک سرانجام افتاد در همان ابتدای راه، بعد از مشخص کردن هدف خویش فرمود: هر کس مرا قبول کند و همراهی نماید، خداوند سزاوارتر است به حق «و من ردّ علیّ هذا اصبر حتّی یقضی الله بینی و بین القوم بالحق» و کسی که

مرارد کند، من با صبر و استقامت به راهم ادامه می‌دهم.... امام استقامت را سرلوحه قیام قرار داد و به افرادی که از سر دلسوزی او را از این هدف باز می‌داشتند، بر پایداری تأکید کرد، و فرمود: به خدا اگر در دنیا پناهگاهی نداشته باشم، با یزید بیعت نمی‌کنم. هنگامی که به سرزمین کربلا- نزدیک شد و «حر بن یزید ریاحی» راه را بست، به گونه‌ای با امام سخن می‌گفت که گویی حسین کشته می‌شود و چنین می‌پنداشت که او از آنچه گفته پشیمان است، یا ترسی دارد؛ حضرت امام حسین به او فرمود: «نمی‌دانم به تو چه بگویم، اما شعار برادر «اوس» را می‌گویم که مرگ بر جوانمرد، آن‌گاه که نیت خیر دارد و در راه هدف بزرگی چون اعلائی کلمه حق جهاد می‌کند ننگ نیست، پس اگر در این راه زنده ماندم، پشیمان نمی‌شوم و اگر کشته شوم، ملائمت نمی‌شوم. برای ذلت همین بس که زنده باشی و مقهور گردی». روز عاشورا ناظر شهادت یاران وفادار و فرزندان خود بود و «الآن انکسر ظهري» گفت. اما حسرت یک گفتار ذلیلانه را بر دل دشمن گذاشت. وقتی کودک شش ماهه اش را روی دست او شهید کردند، فرمود: چیزی که تمام این دردها و داغ‌ها را بر من آسان می‌کند، این است که خداوند متعال ناظر آنهاست» در ساعات آخر عمر با نگاه نافذ و قلب مطمئن انبوه سپاه دشمن را می‌نگریست و در اراده اش خللی ایجاد شد و فرمود: صبراً علی قضائک یا رب لا مالہ سواک؛ خدایا در هر سختی و رنج امیدم به توست بر تقدیرهایت شکیبیا هستم... امام باقر (ع) می‌فرماید: پدرم امام سجاد وقت شهادت، مرا نزد خود دعوت کرد تا وصیت کند، فرمود: تو راسفارش می‌کنم

به آنچه پدرم امام حسین (ع) سفارش، کرد به من و فرمود: پسر، درمقابل (دفاع از) حق صبر کن، و لو سخت (تلخ) باشد. در زیارت اربعین امام حسین (ع) می خوانیم: همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریشان داد و بهره خود را در ازای بهای ناچیز فروختند و آخرت خود را به ثمن ناچیز حراج کردند «فجاهد هم فیک صبراً محتسباً حتی سفک فی طاعتک دمه» حسین با آنان با شکیبایی به جهاد پرداخت، تا آن گاه که خونس در راه تو بر زمین ریخت همین تلاش و استقامت راز سخن رسول الله (ص) روشن می شود که فرمود: حسین از من و من از او هستم. علامه امینی در الغدیر می فرماید: «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء». اسلام به وسیله پیامبر وجود گرفت و حسین او را جاودانه کرد. ملت بزرگ ایران به رهبری امام خمینی با استقامت در راه نهضت خود، به پیروزی رسیدند و ایران با این پایداری از ذلت ستم شاهی به عزت جاودانه رسید، مطلب را با شعری از اقبال لاهوری خاتمه می دهیم: بهر حق در خاک و خون غلتیده است پس بنای لاله گردیده است نقش الّا الله بر صحرا نوشت سطر عنوان نجات ما نوشت تارما، از زخمه اش لرزان هنوز تازه از تکبیر او ایمان هنوز

نتیجه

انسان مسلمان نباید تن به ذلت و زبونی بدهد و با الگو گرفتن از زندگی پیشوایان دینی خود در راه سرافرازی بکوشد. ما سه عامل اساسی را در عزت و افتخار حسینی یادآوری کردیم که باید سرلوحه زندگی ما قرار گیرد و ما نیز با تاسی از راه و نهضت امام حسین (ع) زندگی با افتخاری را سپری کنیم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

